

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

سه شنبه ۰۸ اپریل ۲۰۲۵

ف، هیرمند

قضاء ستیزی راست افراطی

نظام قضایی در ترکیب یک رژیم دولتی یکی از قوه های مهم و بنیادی آن محسوب می شود؛ مهم به این جهت که غالباً عدالت و صحت حضور عدالت را در آن جامعه با میزان خود تأیید و تثبیت میکند. بنیادی به این خاطر که نظام قضایی یک سیستم محک انسانی بودن و عدالتمندی یک حاکمیت را به مشاهده می گذارد.

در این اواخر تعرض و هجوم برخی از حکومتات متعلق به راست افراطی را بر قوه های قضایی آن می شنویم و نگاه می کنیم؛ بنجامن نتانیاهو صدراعظم اسرائیل به سبب اتهامات جرایم نظیر اختلاس، سوء استفاده از قدرت و جرایم جنسی از سوی قضای آن کشور تحت تعقیب قضایی قرارداشت، نتانیاهو در دسامبر ۲۰۲۴ رسماً در محکمه کشورش احضار و در دیوان جزایی آن مکلف به شهادت گردید این شخص اخیراً در پارلمان آن کشور سند قانونی را به تصویب رساند که بر اساس آن بعضی از مقامات بلند پایه آن کشور مراجع قضایی را مورد پرسش قرار داده می توانند، این وضع استقلال و غیر جانبداری قضای آن کشور را نقض و صلاحیت قضاء را جداً تهدید میکند. مردم اسرائیل بر علیه این سند تظاهرات به راه انداخته و از سیاسی شدن و کاهش صلاحیت قوه قضائیه کشور شان به شدت انتقاد کرده و آنرا محکوم نمودند.

نتانیاهو تنها در محاکم داخلی اسرائیل متهم نیست، او در محکمه جزائیی بین المللی (ICC) نیز به ارتکاب جرایم جنگی و انواع جنایات علیه بشریت متهم می باشد که جلب گرفتاری او از سوی خارنوال (مدعی العموم یا دادستان) محکمه بین المللی مذکور صادر شده است، بر اساس مواد مندرج اساسنامه محکمه ICC دول عضو آن محکمه تعهد نموده اند تا شخصی را که مورد تعقیب آن محکمه قرار دارد، گرفتار و به مراجع محکمه تسلیم نمایند، دولت هنگری که عضو محکمه نامبرده

است صدراعظم آن "ویکتور اوربان" دارای تمایل راست افراطی، از اجرای این حکم محکمه ICC سرباز زده و حتی تقاضای خروج هنگری از محکمه مذکور را اعلام نموده است.

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر هنگری اعلام کرده که این کشور از دیوان کیفری بین‌المللی خارج می‌شود، چون این نهاد بادر نظر داشت فیصله‌هایش در مورد اسرائیل سیاسی شده است و دیگر یک محکمه بی طرف و یک محکمه حافظ حاکمیت قانون نیست، بلکه یک دادگاه سیاسی است، مخصوصاً با توجه به تصمیم‌هایش در مورد اسرائیل ماهیتش واضح تر شده است و نتانیاهو هم محکمه بین‌المللی جزایی را یک سازمان "فاسد" خواند.

در ایالات متحده آمریکا دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آن، بعد از به قدرت رسیدن در صدد انتقام جویی و قصد گیری به دنبال قضات و قوه قضائیه آن افتاده و قرار شنیدگی در تلاش محدود گردانی قوه قضایی آن مملکت می‌باشد. ترامپ نیز متهم به جرایم جنسی و تطمیع افراد برای کتمان مجرمیتش، متهم بوده است.

بعضی از امریکایی‌ها در انتخابات قضات در ایالت ویسکانسین آمریکا با آگاهی از تمایل ضد قضایی ترامپ و همدستانش، قضات رقیب را برگزیدند.

"کرافورد (کاندید لیبرال) ۵۵ درصد از آرا یا بیش از ۱.۲ میلیون رای را با ۱۰ درصد بیشتر از شیمل (جمهوری خواه و هوا خواه ترامپ) کسب نمود و اکثریت لیبرال و قضات آزاد ۴-۳ محکمه را حفظ کرد.

به گفته رسانه‌های امریکایی، ایلان ماسک، میلیاردر و دست راست دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و شرکت‌های وابسته به او حداقل ۲۱ میلیون دلار برای حمایت از کمپین شیمل خرج کردند و به سه نفر از رأی دهندگان هر کدام یک میلیون دلار برای امضای طوماری در مخالفت با «قاضی‌های فعال» پرداخت کردند...

ماسک بر اهمیت این انتخابات تاکید کرده و گفته بود که این انتخابات می‌تواند آینده آمریکا و تمدن غرب را تعیین کند. ایلان ماسک برای حمایت از کمپین خود شخصاً به ویسکانسین سفر کرده بود. در این چند روز خانم "مارین لوپن" عضو حزب راست افراطی اجتماع ملی فرانسه به اتهام اختلاس - در حدود 4 میلیون یورو از بودجه کمیسیون اروپا به دوسال حبس خانگی - با دست بند الکترونیکی - و دوسال حبس تعلیقی و چند صد هزار یورو محکوم گردید و نیز محکوم الیه برای مدت 5 سال از اجرای خدمات عامه ممنوع گردانیده شد، این حکم باعث آن می‌گردد که محکوم الیه موصوف از

کандید شدن برای پست ریاست جمهوری فرانسه در سال 2027 محروم و کنار زده شود. دوسیه خانم لوپن از چند سالی به این سو در دوران بوده است.

لازم می افتد در باره جرم اختلاس کمی توضیح داده شود؛ این جرم عملی را می نامند که شخصی از دارایی عامه (دولت) و یا اشخاص که به او اعتماد شده است از آن استفاده سوء نموده و آن وجوه را به طور عمدی دستبرد بزند و یا حیف و میل کرده و مورد استفاده سوء قرار بدهد این جرم او اختلاس شناخته می شود.

جرم مورد نظر که متوجه خانم لوپن بوده همین فعل را گویا می باشد. باید متذکر شد که جرم اختلاس از آن جرایمی نیست که در تشخیص، ارزیابی، اثبات و توجیه آن به متهم با یک روش و شیوه سطحی، سرسری و سرپائی اتمام یابد این جرم از نوعی جرایم حساسی و مالی است که برای اثبات و مستند سازی آن کار زیاد لازم می باشد و تثبیت این جرم و مستند گردانی دقت و فرصت زیادی را لازم دارد، در نتیجه دوسیه خانم لوپن از نوعی جرایمی نیست که سرسری و سرپائی ترتیب و در بازی های سیاسی به حیث ابزار به کار گرفته شده باشد، این دوسیه دارای عناصر و حقایق بسیار روشن و انکار ناپذیر است که وکلای خانم موصوف و همراهان سیاسی زرننگ او نتوانسته اند برای دفاع از خانم لوپن، در برابر اتهامات وارده کاری انجام دهند.

ولی به هر ترتیب بر اساس حکم محکمه ذیصلاح دوسیه خانم موصوف بنابر درخواست وی مورد رسیدگی مجدد قرار داده می شود، که به این صورت احکام صادره محکمه قبلی در حالت تعلیق قرار میگیرد و لذا خانم موصوف به این طریق حق کاندید شدن خود را برای پست ریاست جمهوری فرانسه باز می یابد، گرچه رسیدگی مجدد در فرانسه سال های زیادی را در بر میگیرد، اما محکمه در حکم خویش متذکر شده است که رسیدگی مجدد باید در جریان یک سال طی و نتیجه اعلام گردد. این حکم بالنسبه خوشبینانه برای مارین لوپن، در عمل امتیاز مهمی را برای او و زمینه خوشبینی را نزد هواخواهان نامبرده فراهم میگرداند. حکم اخیر الذکر می تواند به چند دلیل اصدار یافته باشد

- رعایت حق قانونی محکوم الیه در استفاده از حق رسیدگی مجدد دوسیه اش.

- رد این ذهنیت که انگار محکمه صادر کننده حکم محکومیت مارین لوپن، موقف سیاسی گرفته و او را از فرصت کاندید شدن کنار زده باشد.

- با اطمینان به اینکه رسیدگی مجدد صحت و چگونگی حکم صادره محکمه قبلی را واضح و تثبیت نماید.

- محکمه تأیید رسیدگی مجدد نه گذاشته است که هواخواهان حزب اجتماع ملی بر قوه قضائیه فرانسه برچسب "جانبداری" بزند، زیرا حزب اجتماع ملی در میان فرانسوی ها، به علت تمایلات افراطی اش خوشبینانی ندارد، و محکمه نه گذاشته است که این برچسب به او بخورد. هواخواهان افراطی مارین لوپن بعضی از قضات مرتبط به دوسیه خانم لوپن را، مورد تهدید و تخویف قرار داده و زیر فشار گرفته اند، قضات از حکومت تقاضای توظیف ماموران امنیتی را برای محافظت شان به عمل آورده اند، هواخواهان حزب راست افراطی، مارین لوپن به تاریخ 6 اپریل تظاهرات نموده و به طور غیر مستقیم نظام قضایی فرانسه و قضات آنرا تخریب و تحقیر نمودند. در حالیکه تظاهرکنندگان مخالف مارین لوپن، او و حزبش را متهم به نقض صلاحیت قضاء و تعرض به قانون اساسی فرانسه کردند.

سیستم قضائی "پوتینی" روسیه در قضاستیزی خود هیچ کمی از تمایل واحد نظام های راست افراطی ندارد، این نظام قضایی روسی با همان ماهیت دوران شوروی سابق، کار میکند؛ مخالفان را به اتهام های گوناگون به محاکمه کشانیده و روانه زندان های مخوف روسی در سایبریا می کند و در زندان ها به شیوه های مختلف مخالفان را محو و نابود میکند، همه محو رقیب و مخالف ولایمیر پوتین را که در زندان "وفات...!!" یافت به خاطر دارند، همسر موصوف اذعان میکند که شوهرش مریضی را که علت مرگ او اعلام کرده اند، هرگز نداشته است.

مثال های بالا مطلب مهمی را خاطر نشان می سازد؛ اینکه نظام های افراطی، بخصوص نظام های راست افراطی به شدت قضاء ستیز اند این نظام ها به شدت در برابر قضای واقعی و معیاری حساسیت دارند و نمی خواهند که جامعه از چنین قضایی برخوردار باشد و چنین قضای را در ترکیب دولتی خود داشته باشد، اداره ترمپ در امریکا، نتانیاهو در اسرائیل، ویکتور اوربان در هنگری، ولایمیرپوتین در روسیه، رفتار رها و توقعات فراقضایی هواخواهان راست افراطی حزب اجتماع ملی در فرانسه، همه در یک روند یعنی تضاد و تخالف با سازمان قضایی معیاری را حاکمی است، اعضای راست افراطی گرچه در دفع اتهاماتی که متوجه آنها بوده است، خود را در ضدیت با قضاء و عدالت قرار میداده اند، ولی این روند یک روند فردی و شخصی در میان آنان نیست، بلکه افراطیت تشنه آن است تا تمام سازمان های موجود در جامعه در تمایل تمرکز قدرت آنها تعریف شود و همه ابعاد قدرت دولتی در نزد آنها متمرکز گردد. این طبیعت راست افراطی است که همه ابعاد جامعه و قدرت را در دست خود گرفته و آنها را امر و نهی نماید، این هدف به طور واضح و طبیعی اصل استقلالیت و غیر جانبداری قضاء را محو و نقض میکند.

خصلت واحد تمایل راست افراطی ناظر به قضاء ستیزی در مسئله محکومیت مارین لوپن کاملاً ثابت گردید می بینیم که افراطی های راست در سرتا سر جهان چگونه از او دفاع به عمل آوردند؛ ویکتور اوربان در هنگری، رئیس دولت برازیل، رهبر راست افراطی بلژیک، دونالد ترمپ، نطق پوتین در روسیه، معاون صدراعظم ایتالیا و... این ها سیما هایی ضد عدالت و ضد مراجع تثبیت عدالت را به صورت عریان از خود به نمایش گذاشتند.

راست افراطی از هر موقفی که برخاسته باشد، خواهان وجود یک نظام قضایی است که تابع امیال سیاسی و کتمان گر جرایم و جنایات این تمایل باشد. یعنی قضاء مطیع و فرمانبردار سیاست و سیاست کاران افراطی راست بوده و آرمان اساسی تأمین عدالت را ترک کند و قضای معیاری دگر دو رکن اساسی خود یعنی "استقلال" و "غیر جانبداری" را کنار بگذارد، قضای فاقد این دو خصیصه دگر نمی تواند، یک قضای معیاری باشد. در یک جامعه دموکراتیک و مدعی حضور دموکراسی در آن اصل تفکیک قوا میان قوه های اجرائیه، مقننه و قضائیه اصل اساسی شمرده می شود در این میان استقلال رأی قضاء و عدم وابستگی ارگانیک آن با دو قوای دیگر از ضرورت های بنیادی نظام های دموکراتیک می باشد، در جامعه دارای نظام دموکراسی وجود یک نظام قضایی معیاری به مثابه وجدان پاک آن نظام محسوب می شود که در برابر رفتار های مجرمانه و خلاف موازین مدنی عکس العمل نشان داده و حق را به مستحق میرساند.

عدول و عبور از مرز های بنیادی اصول جامعه دموکراتیک توسط راست افراطی موازین اساسی جامعه را نقض میکند، عدالت و تشخیص آنرا در ید خود و به تعبیر سیاسی خود منحصر می سازد، اصل اساسی تفکیک قوا را در هم می شکند، در نهایت انسان و حقوقش را در تفاسیر افراط گرانه خود به محکومیت و مزدوری تنزل میدهد. در شرایط کنونی دنیا تمایل عوامزده راست افراطی خطرناکترین دد مردم کشور های خودی غارتگر و خصم مردم کشور های مستضعف اند، زیرا مخالف اصول بنیادی دموکراسی، مخالف اصل تفکیک قوه و صلاحیت های تخصصی و در نهایت مخالف اصل استقلال قضایی و مخالف اصل غیر جانبداری یک نظام قضایی می باشند.

پایان